



## نقش مجلس شورای اسلامی در ارتقاء قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی ایران

میرنبی موسوی طارسی<sup>۱</sup>، علی صالحی فارسانی<sup>۲</sup>، حسین ابوالفضلی کریزی<sup>۳</sup>

۴۴

دوره ۱۶، شماره ۱، پیاپی ۴۴  
بهار ۱۴۰۵

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۱-۷-۱۴۰۴

تاریخ پذیرش:

۵-۱۲-۱۴۰۴

مصص: ۳۲-۱۷

شابا چاپی: ۵۵۸۰-۲۳۲۲

رتبه علمی

ب

پژوهشی، صحت گواهی در:  
JOURNALS.MSRT.IR

### چکیده

مجلس شورای اسلامی، به‌عنوان نهاد قانون‌گذاری و نظارت در نظام جمهوری اسلامی ایران، نقشی اساسی در تولید، تثبیت و ارتقاء قدرت نرم از طریق تقنین، نظارت کارآمد و نمایندگی مطالبات عمومی ایفا می‌کند. قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی، مبتنی بر مؤلفه‌هایی چون مشروعیت مردمی، عدالت‌محوری، کارآمدی نهادی، مشارکت سیاسی و الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت است و مجلس می‌تواند با عملکرد مؤثر خود، این مؤلفه‌ها را تقویت نماید. با این حال، چالش‌هایی نظیر تعارض منافع، ضعف شفافیت، اقتصاد رانتی، ساختارهای ناکارآمد تقنینی و غلبه ملاحظات فردی یا جناحی، کارکرد مجلس را در تقویت سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی - به‌عنوان ارکان اصلی قدرت نرم - با تضعیف مواجه ساخته است. پژوهش حاضر با رویکردی تحلیلی و تکیه بر مبانی نظری قدرت نرم، حکمرانی خوب، به‌شنا سایی و تحلیل این موانع در ابعاد سیاسی، اقتصادی و نهادی می‌پردازد و راهکارهایی راهبردی برای ارتقاء نقش مجلس در تقویت مشروعیت نظام، افزایش مشارکت عمومی و تحکیم اعتماد اجتماعی ارائه می‌دهد؛ راهکارهایی که اجرای آن‌ها می‌تواند جایگاه مجلس شورای اسلامی را به‌عنوان یکی از پیشران‌های اصلی قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی ایران تقویت نماید.

### واژه‌های کلیدی:

مجلس شورای اسلامی، حکمرانی خوب، مشروعیت مردمی، سرمایه اجتماعی، قدرت نرم

۱. دانشجوی دکتری، علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سمنان، سمنان، ایران

۲. استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سمنان، سمنان، ایران ( نویسنده مسئول) [ali\\_salehi62@ut.ac.ir](mailto:ali_salehi62@ut.ac.ir)

۳. دانشیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سمنان، سمنان، ایران



## مقدمه و بیان مسأله

انقلاب اسلامی ایران، آغازگر تحولی بنیادین در هویت تاریخی، فرهنگی و سیاسی جامعه ایرانی و سرآغاز گفتمانی نوین در عرصه نظام‌سازی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی بود. تداوم و تعمیق این گفتمان، بیش از هر چیز، به کارآمدی نهادهای اساسی نظام و توان آن‌ها در تولید مشروعیت، اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی وابسته است؛ عناصری که در ادبیات علوم سیاسی از آن‌ها به‌عنوان مؤلفه‌های محوری قدرت نرم یاد می‌شود. در این میان، مجلس شورای اسلامی به‌عنوان رکن قانون‌گذاری، نظارت و نمایندگی اراده عمومی، جایگاهی تعیین‌کننده در شکل‌دهی، تثبیت و ارتقاء قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی ایران دارد.

قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی، برخاسته از پیوند میان ارزش‌های اسلامی، کارآمدی نهادی، عدالت‌محوری، مشارکت سیاسی و الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت است. مجلس شورای اسلامی می‌تواند از طریق تقنین اثربخش، نظارت کارآمد و بازتاب مطالبات واقعی جامعه، نقش مؤثری در تقویت مشروعیت مردمی، افزایش اعتماد عمومی و تحکیم سرمایه اجتماعی ایفا کند. از این منظر، کارکرد مجلس صرفاً به مدیریت امور جاری کشور محدود نمی‌شود، بلکه به‌طور مستقیم با توان نظام در اقناع، جذب و همراه‌سازی افکار عمومی- در داخل و خارج- ارتباط می‌یابد و به یکی از پیشران‌های اصلی قدرت نرم تبدیل می‌شود.

رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز در تبیین ضرورت پویایی و کارآمدی نهادهای نظام، به‌ویژه مجلس شورای اسلامی، بر مفهوم «نوسازی نظام» تأکید داشته‌اند؛ نوسازی‌ای که نه به معنای عدول از اصول و آرمان‌ها، بلکه به معنای بازنگری در سیاست‌ها، روش‌ها و سازوکارها برای جلوگیری از تحجر، انجماد و ناکارآمدی است. در چارچوب مراحل پنج‌گانه تحقق اهداف انقلاب اسلامی، پس از شکل‌گیری انقلاب و استقرار نظام اسلامی، مرحله «تشکیل دولت اسلامی» هنوز به‌طور کامل محقق نشده و نهادهایی چون مجلس، به‌عنوان اجزای کلیدی این مرحله، نیازمند اصلاح ساختاری و ارتقاء کارکردی هستند. تحقق مراحل بعدی، یعنی «تشکیل جامعه اسلامی» و «تمدن نوین اسلامی»، بدون مجلسی کارآمد، پاسخ‌گو و مورد اعتماد افکار عمومی، امکان‌پذیر نخواهد بود.

با این حال، عملکرد مجلس شورای اسلامی در سال‌های اخیر با چالش‌هایی مواجه بوده است که توان آن را در تقویت قدرت نرم نظام تضعیف کرده‌اند. مسائلی همچون تعارض منافع، ضعف شفافیت، اقتصاد رانتی، ساختارهای ناکارآمد تقنینی، غلبه ملاحظات فردی و جناحی، لابی‌گری‌های ناسالم، محدودیت دسترسی به اطلاعات، مشارکت محدود نخبگان در فرایند قانون‌گذاری و ضعف پاسخ‌گویی نمایندگان، نه تنها کارآمدی نهادی مجلس را کاهش داده، بلکه به تضعیف اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی — به‌عنوان بنیان‌های اصلی قدرت نرم- انجامیده است.

با وجود اهمیت راهبردی این موضوع، بررسی نقش مجلس شورای اسلامی در ارتقاء قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه در چارچوب نظری تلفیقی قدرت نرم، حکمرانی خوب و الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، کمتر به‌صورت منسجم و جامع مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش حاضر با رویکردی تحلیلی، ضمن شناسایی و تبیین موانع سیاسی، اقتصادی و نهادی مؤثر بر عملکرد مجلس، می‌کوشد راهکارهایی راهبردی برای ارتقاء نقش این نهاد در تقویت مشروعیت نظام، افزایش مشارکت عمومی و



تحکیم اعتماد اجتماعی ارائه دهد؛ امری که می‌تواند جایگاه مجلس شورای اسلامی را به‌عنوان یکی از ارکان اساسی قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی ایران بازتعریف و تقویت نماید.

### پیشینه تحقیق

پژوهش‌های انجام‌شده پیرامون عملکرد و کارآمدی مجلس شورای اسلامی، اگرچه عموماً با رویکردهای نهادی، حقوقی و حکمرانی مورد بررسی قرار گرفته‌اند، اما به‌طور ضمنی با مؤلفه‌های اساسی قدرت نرم همچون مشروعیت مردمی، اعتماد عمومی، سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی ارتباط دارند. در این مطالعات، عواملی نظیر شفافیت، پاسخ‌گویی، مقابله با فساد، تعارض منافع و اصلاح ساختارهای تقنینی، به‌عنوان پیش‌شرط‌های کارآمدی نهادی مجلس و تقویت رابطه دولت-ملت مورد تأکید قرار گرفته‌اند؛ عناصری که در چارچوب نظری این تحقیق، به‌منزله سازوکارهای تولید و ارتقاء قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی ایران تلقی می‌شوند.

نورایی، محمدرضا (۱۳۹۹) در مقاله «تحلیل نهادگرایانه تعارض منافع در مجلس ایران» منتشر شده در فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، تعارض منافع را یکی از چالش‌های بنیادین نهاد قانون‌گذاری می‌داند که در شرایط ضعف شفافیت و نبود تفکیک نهادی میان منافع عمومی و خصوصی، به تضعیف کارکرد نمایندگی و نظارت منجر می‌شود. این پژوهش با رویکرد نهادگرایی و با استفاده از تحلیل اسنادی گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس و مطالعات تطبیقی (تجربه کانادا و داده‌های OECD و بانک جهانی)، نشان می‌دهد که ضعف قوانین، نبود نهادهای نظارتی مستقل و فرهنگ غیرشفاف قانون‌گذاری، زمینه‌ساز گسترش تعارض منافع در مجلس است. یافته‌های این تحقیق از منظر قدرت نرم حائز اهمیت است؛ زیرا استمرار تعارض منافع، به کاهش اعتماد عمومی و تضعیف مشروعیت نهادی مجلس انجامیده و در نهایت سرمایه اجتماعی نظام را فرسایش می‌دهد. پیشنهادی ارائه شده در این پژوهش، از جمله تدوین قانون جامع تعارض منافع و تقویت نهادهای نظارتی، مستقیماً با تقویت عدالت نهادی و افزایش مشروعیت مردمی پیوند می‌خورد.

کریمی، زهره (۱۴۰۱) در مقاله «فساد و حکمرانی ناکارآمد؛ آسیب‌شناسی در نهادهای قانون‌گذار» که در مجله علوم سیاسی دانشگاه تهران منتشر شده است، فساد را نه صرفاً رفتاری فردی، بلکه پیامد تعامل ساختارهای رسمی و غیررسمی، ضعف شفافیت و توزیع قدرت در چارچوب اقتصاد رانتی معرفی می‌کند. این مطالعه با رویکرد تحلیل نهادی و استفاده از داده‌های تطبیقی، نشان می‌دهد که وجود نهادهای موازی قدرت، ضعف پاسخ‌گویی و ناکارآمدی نظام نظارت، زمینه‌ساز تداوم فساد در نهادهای تقنینی است. از منظر این تحقیق، فساد ساختاری در مجلس نه تنها کارآمدی قانون‌گذاری را کاهش می‌دهد، بلکه به تضعیف اعتماد عمومی و کاهش توان اقناعی نظام در سطح اجتماعی می‌انجامد؛ امری که مستقیماً قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. پیشنهادی این پژوهش در زمینه اصلاح حکمرانی و استقلال نهادهای نظارتی، با هدف تقویت کارآمدی نهادی و مشروعیت سیاسی همسو است.



جمشیدی (۱۳۹۸) در گزارش پژوهشی مرکز پژوهش‌های مجلس با عنوان «تفکیک موانع و مسیرهای ارتقای شفافیت در مجلس شورای اسلامی ایران: رویکرد ساختاری و رفتاری»، شفافیت را یکی از ارکان اساسی حکمرانی خوب و شرط لازم افزایش اعتماد عمومی و مشارکت سیاسی می‌داند. این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی، نشان می‌دهد که نبود سازوکار رسمی برای انتشار آرای نمایندگان، محدودیت دسترسی به اطلاعات تقنینی، ضعف نظام ارزیابی عملکرد و فقدان زیرساخت‌های داده باز، موجب کاهش پاسخ‌گویی و افول مشروعیت نهادی مجلس شده است. یافته‌های این مطالعه تأکید می‌کند که تداوم این وضعیت، سرمایه اجتماعی را تضعیف کرده و کارکرد مجلس در تقویت قدرت نرم نظام را با چالش مواجه می‌سازد. راهکارهای پیشنهادی، ناظر بر اصلاحات نهادی و فرهنگی، به‌طور مستقیم در جهت بازسازی اعتماد عمومی و افزایش مقبولیت اجتماعی مجلس قرار دارد.

محسنی (۱۴۰۰) در مقاله «فساد در پارلمان جمهوری اسلامی ایران: ریشه‌ها، گونه‌ها و پیامدها»، فساد را نشانه‌ای از اختلال در نظام نمایندگی و چرخه حکمرانی می‌داند که در صورت نهادینه‌شدن، مجلس را از نهادی ناظر و مهارکننده قدرت، به بخشی از بازتولیدکننده آن تبدیل می‌کند. این پژوهش با رویکرد تحلیلی-تبیینی، فقدان شفافیت، تعارض منافع، لابی‌گری غیررسمی و ضعف نظارت را مهم‌ترین بسترهای شکل‌گیری فساد در مجلس معرفی می‌کند. از منظر قدرت نرم، نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که فساد پارلمانی به‌طور مستقیم اعتماد عمومی، مشروعیت سیاسی و توان بسیج اجتماعی نظام را کاهش می‌دهد و در نتیجه، ظرفیت نرم نظام در اقناع افکار عمومی تضعیف می‌شود. پیشنهادهای اصلاحی ارائه‌شده، ناظر بر توسعه نهادی، پاسخ‌گویی و عدالت ساختاری است که از ارکان اصلی تقویت قدرت نرم محسوب می‌شوند.

در مجموع، مرور پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه مطالعات متعددی به بررسی آسیب‌ها و ناکارآمدی‌های مجلس شورای اسلامی پرداخته‌اند، اما کمتر پژوهشی این چالش‌ها را به‌صورت منسجم در چارچوب نظری قدرت نرم و نقش مجلس در تولید و تحکیم آن تحلیل کرده است. پژوهش حاضر با تلفیق ادبیات قدرت نرم، حکمرانی خوب و الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، می‌کوشد این خلأ را پر کرده و نقش مجلس شورای اسلامی را به‌عنوان یکی از پیشران‌های اصلی مشروعیت، اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی نظام جمهوری اسلامی ایران مورد واکاوی قرار دهد.

## مبانی نظری پژوهش

### حکمرانی خوب، قدرت نرم و الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت

محور اصلی تأملات نظری در این پژوهش، تبیین نقش مجلس شورای اسلامی در تولید، تثبیت و ارتقاء قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی ایران از رهگذر استقرار اصول حکمرانی خوب و هم‌سویی با الزامات الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت است. در این چارچوب، مجلس نه‌تنها نهادی حقوقی-سیاسی برای قانون‌گذاری و نظارت، بلکه یکی از کانون‌های اصلی شکل‌گیری مشروعیت مردمی، اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی تلقی می‌شود؛ عنا صری که زیربنای قدرت نرم هر نظام سیاسی را تشکیل می‌دهند.



## ۱. حکمرانی خوب و نقش آن در تقویت قدرت نرم

مفهوم حکمرانی خوب در ادبیات توسعه، تعاریف و رویکردهای متعددی دارد، اما در جوهره خود، بر بهبود کیفیت اداره جامعه، پاسخ‌گویی نهادهای قدرت، شفافیت تصمیم‌گیری و مشارکت ذی‌نفعان تأکید می‌کند. برخی تعاریف، حکمرانی خوب را مجموعه‌ای از شاخص‌ها و ویژگی‌ها می‌دانند (مانند رویکرد بانک جهانی)، و برخی دیگر، آن را فرآیندی فراتر از دولت و حکومت رسمی تلقی می‌کنند که در آن، دولت، نهادهای قانون‌گذار، بخش خصوصی و جامعه مدنی به صورت تعاملی در اداره امور عمومی مشارکت دارند (دباغ و نفری، ۱۳۸۸: ۴).

از اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی، تجربه سیاست‌های تعدیل ساختاری و مطالعات تطبیقی نشان داد که کیفیت حکمرانی متغیری تعیین‌کننده در توسعه پایدار و ثبات سیاسی است. گزارش بانک جهانی با عنوان «از برنامه تا بازار» (۱۹۹۶) حکمرانی خوب را به‌عنوان محور سیاست‌گذاری توسعه معرفی کرد و بر نقش نهادهای پاسخ‌گو و شفاف، به‌ویژه نهادهای قانون‌گذار، تأکید نمود. در همین راستا، برینکرهوف و گولداسمیت (۲۰۰۵) پاسخ‌گویی قانون‌گذاران و ارائه گزارش شفاف عملکرد به مردم را شرط اساسی اعتماد عمومی می‌دانند.

در چارچوب نظری این پژوهش، حکمرانی خوب صرفاً ابزاری برای کارآمدی اداری نیست، بلکه سازوکاری برای تولید قدرت نرم محسوب می‌شود. شفافیت، پاسخ‌گویی، حاکمیت قانون و مشارکت عمومی، از یک‌سو موجب افزایش رضایت و اعتماد شهروندان می‌شود و از سوی دیگر، توان اقناعی و مشروعیت نظام سیاسی را در سطح اجتماعی و بین‌المللی تقویت می‌کند. بنابراین، هرچه مجلس شورای اسلامی در عمل به اصول حکمرانی خوب موفق‌تر باشد، نقش مؤثرتری در تقویت قدرت نرم نظام ایفا خواهد کرد.

## ۲. مجلس شورای اسلامی به‌مثابه کانون نهادی قدرت نرم

از منظر نهادی، مجلس شورای اسلامی یکی از مهم‌ترین پیوندگاه‌های دولت-ملت در نظام جمهوری اسلامی ایران است. کارکردهای سه‌گانه مجلس—تقنین، نظارت و نمایندگی—در صورتی که در چارچوب حکمرانی خوب اعمال شوند، می‌توانند به افزایش مشروعیت مردمی، تحکیم سرمایه اجتماعی و ارتقاء اعتماد عمومی بینجامند. برعکس، ضعف شفافیت، تعارض منافع، ناکارآمدی نظارتی و غلبه ملاحظات فردی یا جناحی، نه تنها کارآمدی مجلس را کاهش می‌دهد، بلکه به تضعیف مؤلفه‌های قدرت نرم نظام منجر می‌شود.

از منظر اقتصادی نیز، قوانین شفاف، پایدار و پیش‌بینی‌پذیر، نقش مهمی در کاهش ناطمینانی، مقابله با اقتصاد رانتی و تقویت عدالت اقتصادی دارند. سردارنیا و همکاران (۱۳۸۸) حکمرانی خوب را استفاده بهینه از قدرت سیاسی و مدیریت منابع برای توسعه اجتماعی و اقتصادی می‌دانند؛ تعریفی که بر «بهبود کیفیت دولت» و نهادهای وابسته به آن تأکید دارد (میدری، ۱۳۸۵: ۲۷۷). در این چارچوب، عملکرد مجلس در اصلاح ساختارهای اقتصادی و نظارتی، مستقیماً با توان نظام در جلب اعتماد عمومی و افزایش مشارکت سیاسی مرتبط است.



### ۳. حکمرانی خوب در پیوند با الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت

الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، به‌عنوان سند بالادستی تحول‌گرا فرآی را مفهومی صرفاً مادی یا اقتصادی تلقی نمی‌کند، بلکه آن را فرآیندی چندبعدی می‌داند که بر عدالت، معنویت، مردم‌سالاری دینی، کارآمدی نهادی و پیشرفت فرهنگی-اجتماعی استوار است. در این الگو، شفافیت، پاسخ‌گویی، مبارزه با فساد و تقویت سرمایه اجتماعی، نه تنها الزامات حکمرانی، بلکه پیش شرط‌های عبور از مرحله «تشکیل دولت اسلامی» به «تشکیل جامعه اسلامی» محسوب می‌شوند.

در این چارچوب، مجلس شورای اسلامی با انطباق ساختارها، رویه‌ها و رفتار نمایندگان خود با اصول حکمرانی خوب، می‌تواند نقشی کلیدی در تحقق اهداف الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت ایفا کند. چنین مجلسی، از طریق تقویت اعتماد عمومی، افزایش مشارکت سیاسی و ارتقاء عدالت نهادی، زمینه‌های لازم برای شکل‌گیری قدرت نرم پایدار را فراهم می‌سازد؛ قدرتی که مبتنی بر رضایت، اقناع و همراهی داوطلبانه جامعه با نظام سیاسی است.

### ۴. روش‌شناسی و جایگاه آن در چارچوب نظری

پژوهش حاضر از نظر روش‌شناسی، توصیفی-تحلیلی است و داده‌های آن به‌روش تحلیل اسنادی و کتابخانه‌ای گردآوری شده است. منابع مورد استفاده شامل کتاب‌ها، مقالات علمی، گزارش‌های پژوهشی، اسناد بالادستی و پایگاه‌های معتبر فارسی و انگلیسی است. با تحلیل و تلفیق این داده‌ها، چارچوب نظری پژوهش در پیوند میان قدرت نرم، حکمرانی خوب و الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت استخراج شده و نقش مجلس شورای اسلامی به‌عنوان یکی از ارکان نهادی تقویت قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار گرفته است.

## یافته‌های تحقیق

### ۱. تعارض منافع

وجود تعارض منافع بین نمایندگان مجلس ایران همچون نمایندگان دیگر کشورها طبیعی و امری روشن و واضح است. نخست باید بپذیریم تا بتوانیم برای اصلاح آن اقدامات دیگری انجام دهیم. به‌طورکلی تعارض منافع در بین نمایندگان مجلس تحت سه مورد قابل بررسی می‌باشد. مورد نخست مواردی می‌باشد که به ساختار نظام حکمرانی ارتباط دارد؛ یعنی ناشی از طراحی غیرحرفه‌ای و کارشناسی غیردقیق سیستم حاکمیت باشد. به این معنی که اجزای سیستم حکمرانی و ارتباط بین اجزا به شکلی سازمان‌دهی گردیده است که در طبیعت خود و کاملاً به‌طور قابل پیش‌بینی، باعث تعارض منافع نماینده می‌گردد. مورد دوم به مؤلفه‌های انسانی شخص نماینده ارتباط دارد. نظام انگیزشی همه نمایندگان می‌تواند آن‌ها را نسبت به کسب حداکثری منافع شخصی خود سوق دهد. و منافع شخصی نسبت به منافع ملی پررنگ‌تر گردد. مورد سوم برگرفته از دو مضمون قبلی است که در واقع ناشی از فقدان نظارت، با نظارت ناکارآمد بر انجام وظایف نماینده مجلس و یا ضعف نظارتی در رفتار نماینده است که باعث ترجیح منافع شخصی بر منافع جمعی می‌گردد. لذا چنانچه سیستم نظارتی پویا و کارآمد گردد تعارض منافع نیز کاهش می‌یابد. مجلس شورای اسلامی به‌طور سنتی فاقد نهاد مستقل برای نظارت بر تضاد منافع نمایندگان بوده است. با وجود وجود



کمیسیون اصل ۹۰، این نهاد وظیفه‌ای قانونی در تشخیص تعارض منافع ندارد. از سوی دیگر، آیین‌نامه داخلی مجلس در بسیاری از موارد، راهی برای شفاف‌سازی روابط مالی، تجاری یا خانوادگی نمایندگان با ذی‌نفعان قانون پیش‌بینی نکرده است. نظام‌های دموکراتیک زمانی به درستی کار می‌کنند که میان نمایندگان منتخب و منافع عمومی هم‌راستایی وجود داشته باشد. در جمهوری اسلامی ایران، مجلس شورای اسلامی به‌عنوان نهاد اصلی تقنین، مسئول تولید قوانین و نظارت بر دولت است؛ اما در سال‌های اخیر، شواهد متعددی از تعارض منافع در عملکرد نمایندگان مشاهده شده است. این پدیده زمانی رخ می‌دهد که منافع فردی، حزبی یا اقتصادی نماینده با مأموریت تقنینی او در تضاد قرار گیرد. ظهور چنین شرایطی باعث تضعیف سازوکارهای پاسخ‌گویی، شفافیت و اعتماد عمومی می‌شود و بستر بروز فساد ساختاری را فراهم می‌کند. لذا در این فصل به این موضوع نیز توجه می‌شود.

## ۲. طراحی نادرست ساختارها

بعضی مشکلات ناشی از طراحی غیر صحیح ساختارهای کلان نظام حکمرانی می‌باشند؛ مثلاً نماینده‌ها به راحتی می‌توانند با جمع‌آوری امضا حداقلی ۱۵ نماینده، اعلام وصول طرح خود نمایند. در نتیجه نماینده به راحتی یک طرح غیر ملی را می‌تواند اجرایی و اقدام نماید؛ و با توجه به فرایند تصویب که خود دارای فرایند کارشناسی دقیقی ندارد به راحتی تصویب شود و حتی در بعضی موارد این طرح‌ها ممکن است به قانون تبدیل گردد. البته در مورد استیضاح نیز همین مسئله به راحتی قابل تعمیم می‌باشد؛ و مثال دیگر در عدم شفافیت و ابهام جدی در ساختار حاکمیت و مبهم بودن مرز بین قانون‌گذاری و اجرا می‌باشد. زمانی که مرز بین قانون‌گذاری و اجرا مشخص نباشد؛ نمایندگان اکثراً قوانینی وضع می‌نمایند که به نظر می‌رسد در حوزه اجرا می‌باشد و حتی گاهی در امور اجرایی حوزه انتخابی خود ورود مستقیم کرده و در عزل و نصب‌ها نیز اعمال نظر می‌نمایند. از دیگر جلوه‌های این عامل، اداره کشور به شکل متمرکز می‌باشد. شوراهای اسلامی شهر عملاً توان ایجاد نقش محلی برای مجلس را نتوانستند اجرا نمایند. (زینالو مهدی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۱۲) در واقع چیدمان غیراصولی ساختار باعث به وجود آمدن تعارض منافع در نماینده می‌گردد زیرا امورات مردم در منطقه‌های مختلف کشور بر روی زمین باقی می‌ماند و یک نماینده مجلس با توجه به دسترسی به دولت مرکزی از یک سو و وابستگی به رأی حوزه انتخابی از سوی دیگر به شکل طبیعی تبدیل به ماشین برطرف کردن مشکلات منطقه می‌گردد و در نتیجه شرایط و زمانی جهت تمرکز بر مسائل ملی و وظایف قانون‌گذاری و نظارت ندارد. مواردی همچون مشارکت نمایندگان در تصویب قوانینی در حوزه‌های مرتبط با کسب‌وکار خانوادگی‌شان، یا فشار بر نهادهای نظارتی برای تغییر در روند رسیدگی به پرونده‌های خاص، از مصادیق بارز تعارض منافع هستند. نمونه‌هایی از حضور هم‌زمان نمایندگان در هیئت‌مدیره شرکت‌های خصوصی، نیز از دیگر اشکال این پدیده است (زینالو و همکاران، همان: ۱۱۴)

## ۳. نظام ارجحیت انگیزه خودمحوری

در ذات طبیعی هر شخص، علاقه به توجه کردن بیشتر به منافع خود وجود دارد و این موضوع کاملاً عادی است. فرد زمانی که به قدرت می‌رسد و به‌عنوان نماینده مجلس انتخاب می‌گردد؛ طبیعتاً تغییر ماهیت پیدا نمی‌کند لذا این ویژگی توجه به منافع



شخصی را در خود خواهد داشت. احتمال اینکه در بسیاری مواقع این نظام انگیزشی باعث توجه و ارجحیت به منافع فردی بر منافع ملی می‌شود. همچنین این عامل، علاقه به حضور مجدد در مجلس را در افراد تقویت می‌نماید. این علاقه می‌تواند بر خواسته از احساس مسئولیت وی و مثبت باشد و می‌تواند از سر میل به قدرت و پست و مقام و منفی باشد. فارغ از این موضوع، نماینده برای رسیدن دوباره به قدرت اقداماتی انجام می‌دهد که در آن اقدامات منافع غیر ملی را بر منفعت ملی ترجیح می‌دهد. برای ذکر یکی از مهم‌ترین موارد، نماینده جهت جلب نظر افراد مختلف در حوزه انتخابیه به جهت جلب نظر رأی دوباره آن‌ها، اقدام به پیگیری امور مختلف عمرانی، آبادانی، خدماتی و ... در حوزه انتخابیه می‌کند و با نتیجه رساندن آن‌ها و حذف مشکل مردم، احتمال رأی آوری خود در دور بعد انتخابات را بیشتر می‌کند. (زینالو مهدی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۱۳)

تعارض منافع موجب کاهش کیفیت قانون‌گذاری، تصویب قوانین جهت‌دار، ضعف در نظارت مؤثر بر دولت و نهادهای اجرایی و در نهایت سلب اعتماد عمومی می‌شود. یکی از پیامدهای اصلی تعارض منافع در نظام قانون‌گذاری ایران، "ضعف در تنظیم قواعد بی‌طرفانه" است. (کریمی، ۱۴۰۱: ۹۸)

#### ۴. نهادهای رسمی نظارتی

از عوامل دیگر که سبب بروز تعارض منافع میان نمایندگان مجلس می‌گردد، سیستم نظارتی ناکارآمد است. برای مثال عدم نظارت بر درآمد، دارایی، هدایا، مسافرت‌ها و ... اختیار نمایندگان در شیوه عملکرد را بسیار گسترده می‌کند و آن‌ها بدون احساس خطر می‌توانند به منافع گروهی، شخصی، صنفی و ... بپردازند. درحالی‌که چنانچه نماینده و اقوام او زیر ذره‌بین باشند و چنانچه اموالی غیرعادی در نماینده و اقوام او افزوده شد مورد بازخواست و سؤال قرار گیرد، زمینه برای بروز تعارض منافع بسیار کاهش پیدا می‌کند. در مورد شاخص‌های عملکردی نیز شرایط مشابهی برقرار است. اگر حضور و غیاب، میزان مشارکت در رأی‌گیری‌ها، فعالیت در جلسات تحت نظارت مجموعه‌هایی در خود مجلس، یا بیرون مجلس و یا حتی تحت نظارت مردم گردد، اینکه نماینده در جلسه غیبت نماید و یا در به حدنصاب نرسیدن جلسات کمیسیون‌ها و یا گوش نکردن نمایندگان به بحث داخل مجلس کم‌تر می‌شود. (نورایی محمدرضا، ۱۳۹۹: ۹۸)

نهادهایی مانند دیوان محاسبات کشور، اگرچه رسمی هستند، اما استقلال و قدرت اجرایی مؤثر ندارند و مصوبات آنان اغلب فراتر از شکل نمادین جلو نمی‌رود

#### ۵. سفرهای غیرضروری نمایندگان مجلس و پیامدهای آن بر حکمرانی

مجلس شورای اسلامی به‌عنوان اصلی‌ترین نهاد قانون‌گذاری، برای انجام برخی وظایف خود نیازمند بازدیدهای میدانی و سفرهای کارشناسی است؛ اما وقتی این سفرها بدون ساختار دقیق، مستندات کارشناسی یا بازده مشخص انجام شود، نه تنها هزینه‌های عمومی افزایش می‌یابد بلکه اعتماد عمومی نیز به شکل چشمگیری کاهش می‌یابد. گزارش تفریغ بودجه سال ۱۴۰۲، تصویری از این وضعیت را به‌روشنی ترسیم کرده است. در گزارش تفریغ بودجه ۱۴۰۲ که در آبان ۱۴۰۳ در صحن علنی مجلس



قرائت شد، رئیس دیوان محاسبات از «شفافیت» به عنوان نقطه قوت این گزارش یاد کرد و تأکید کرد که بخشی از هزینه‌های نمایندگان جهت سفر بازدید یا مطالعاتی با استانداردهای لازم تطبیق ندارد. (گزارش تفریح بودجه سال ۱۴۰۲)

### نکات کلیدی گزارش

طبق اعلام نمایندگان، برخی سفرها با تأخیر یا تأثیرگذاری اندک در حوزه‌های انتخابیه همراه بوده است؛ و همچنین هزینه‌های بازدیدهای «غیر مرتبط» با پروژه‌های مورد نظر، بدون مستند کارشناسی انجام شده‌اند.

عدم وجود سامانه ثبت مستندات، قرائت و دریافت نتایج سفر توسط نمایندگان، نبود فرآیند تصویب هدفمند، بیشتر سفرها بدون بررسی ضرورت، در قالب جدید یا تخصیصی انجام شده، سفر بیشتر به منزله حضور سیاسی تقلیل یافته است. جلسه علنی مجلس (آبان ۱۴۰۳).

### ۱. پیامدهای منفی این سفرها

هدر رفت منابع عمومی: هزینه‌های اقامت، پرواز و پذیرایی بدون توجیه کارشناسی انجام شده‌اند.

سایش اعتماد عمومی: رسانه‌ها و افکار عمومی تصویر روشنی از تأثیرات سفرها ندارند.

تأثیر محدود بر قانون‌گذاری: نبود چارچوب پیگیری پس از سفر باعث شده نتایج ملموسی به ایجاد قانونی جهت رفع مشکل نرسد (OECD, 2021).

### ۲. اثرات لابی‌گری غیررسمی بر کارآمدی مجلس شورای اسلامی ایران

پدیده لابی‌گری غیررسمی، به‌ویژه در ساختارهای قانون‌گذاری با ضعف نظارتی، یکی از چالش‌های اصلی در فرآیند قانون‌گذاری محسوب می‌شود. در مجلس شورای اسلامی، لابی‌گری به دلیل نبود چارچوب قانونی شفاف، به شکلی غیررسمی و بعضاً پنهان صورت می‌گیرد. در این فصل با رویکردی نهادگرایانه، به بررسی سازوکارهای مؤثر بر شکل‌گیری لابی‌گری غیررسمی و تأثیر آن بر کیفیت قانون‌گذاری و کارآمدی مجلس پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که ضعف در نظام نظارتی، فقدان شفافیت و فقدان احزاب قدرتمند، از عوامل تسهیل‌کننده لابی‌گری پنهان هستند که در نهایت منجر به تضعیف حکمرانی و بی‌عدالتی تصمیم‌گیری می‌شود. کی از چالش‌های اساسی نظام‌های تقنینی، نفوذ منافع گروهی در فرآیند قانون‌گذاری است. در ایران، با توجه به عدم شکل‌گیری احزاب فراگیر و نهادهای شفاف کنترلی، نقش لابی‌گری غیررسمی در فرایندهای تصمیم‌گیری مجلس افزایش یافته است. این لابی‌گری که از طریق روابط شخصی، قومی یا اقتصادی نمایندگان با صاحبان منافع خاص اعمال می‌شود، به نحوی ساختاری در فرآیند قانون‌گذاری کشور نفوذ کرده است. در این بخش تلاش می‌شود با بهره‌گیری از رویکرد نهادگرایی، تأثیر این پدیده بر کیفیت عملکرد مجلس بررسی و تحلیل شود. (نورایی، محمدرضا، ۱۳۹۹: ۵۶).

### ۳. ابعاد و انواع لابی‌گری غیررسمی

لابی‌گری در مجلس ایران را می‌توان در چند قالب شناسایی کرد:

لابی اقتصادی: فشار نمایندگان برای تصویب بودجه‌های خاص، تعرفه‌های ترجیحی یا امتیازات برای گروه‌های خاص.



لابی انتصابی: اعمال نفوذ برای انتصاب مدیران دولتی در سطوح محلی یا ملی.

لابی منطقه‌ای: درخواست‌های مکرر برای تخصیص بودجه یا پروژه به حوزه‌های انتخابیه بدون ارزیابی کارشناسی.

لابی جناحی: هماهنگی نمایندگان برای تصویب یا رد طرح‌هایی در راستای منافع جناحی، نه منافع ملی (تاجیک، محمد، ۱۴۰۱

: ۴۲)

مطالعات تطبیقی و داده‌های موردی نشان می‌دهند که لابی‌های پرنفوذ در حوزه‌هایی نظیر خودرو، دارو، انرژی، پیمانکاری‌های عمرانی و رسانه، در تدوین یا جلوگیری از تصویب برخی قوانین نقش ایفا کرده‌اند (کریمی، ۱۴۰۱). برای مثال، در جریان بررسی قانون بودجه سال ۱۳۹۹، برخی نمایندگان با فشار بر کمیسیون تلفیق، موفق به درج ردیف‌های خاص به نفع حوزه‌های انتخابیه شدند.

#### ۴. پیامدهای لابی‌گری غیررسمی بر عملکرد مجلس

کاهش کارآمدی تصمیم‌گیری جمعی

تضعیف شفافیت و افزایش فساد ساختاری

کاهش اعتماد عمومی به نهاد تقنینی

بی‌ثباتی در سیاست‌گذاری‌های ملی

تحمیل هزینه‌های عمومی برای منافع خصوصی (کریمی، زهره. ۱۴۰۱: ۹۶)

#### ۵. فساد و ناکارآمدی حکمرانی در نهادهای قانون‌گذاری ایران

فساد در ساختارهای قانون‌گذاری صرفاً یک رفتار فردی نمی‌باشد، بلکه نتیجه تعامل میان قواعد رسمی و غیررسمی، ضعف نظام شفافیت و پاسخ‌گویی و توزیع قدرت رانتی است. در این قسمت با رویکرد تحلیل قانون‌گذاری مجلس، منابع متنی و داده‌های تطبیقی را بررسی می‌کنیم تا چرایی، شیوه‌ها و پیامدهای فساد را در پارلمان و دستگاه قانون‌گذاری ایران آشکار سازیم. یافته‌ها نشان می‌دهد که نظام قانون‌گذاری به دلیل فقدان شفافیت، وجود نهادهای موازی قدرت، اقتصاد رانتی و ضعف بودن نهادهای نظارتی، به محیط مساعدی برای فساد بدل شده است. همچنین تلاش می‌شود، راهبردهایی بر اساس استانداردهای بین‌المللی برای بهبود حکمرانی و تقویت استقلال نهادهای نظارتی ارائه شود. فساد در نهادهای قانون‌گذار، نه فقط پدیده‌ای اداری یا مالی، بلکه نشانه‌ای از اختلال در چرخه دموکراسی و ناکارآمدی نظام نمایندگی است. پارلمان به‌عنوان ستون بنیادین نظارت و قانون‌گذاری، چنانچه دچار فساد ساختاری یا رفتاری شود، به‌جای مهار قدرت، به ابزار بازتولید آن بدل می‌گردد. (محسنی، علی‌اصغر، ۱۴۰۰: ۲۵)

یافته‌های این قسمت نشان می‌دهد که نبود شفافیت، تعارض منافع، لابی‌گری غیررسمی و ضعف ساختار نظارتی از مهم‌ترین بسترهای رشد فساد در مجلس هستند. فساد در ساختارهای حکومتی همواره به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های نظام‌های سیاسی، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، مورد بحث بوده است. در این میان، فساد پارلمانی از جمله مخاطراتی است که مستقیماً بر فرآیند قانون‌گذاری، نظارت بر قوا و نمایندگی مردم اثر می‌گذارد. پارلمان‌ها، در صورت گرفتار شدن به فساد، از ایفای نقش نهاد



واسط بین جامعه و دولت ناتوان می‌شوند و به مجرای برای تحقق منافع خاص تبدیل می‌گردند. در جمهوری اسلامی ایران نیز، اگرچه مجلس در ظاهر جایگاه قانون‌گذار و ناظر بر دولت را داراست، شواهد و بررسی‌ها نشان می‌دهد که این نهاد به دلایل گوناگون، در معرض آسیب‌های جدی ناشی از فساد قرار دارد. (کریمی، زهره، ۱۴۰۱: ۹۸)

پیامدهای اجتماعی و سیاسی فساد و ناکارآمدی حکمرانی در نهادهای قانون‌گذاری ایران را می‌توان چنین نام برد:

۱- کاهش مشروعیت حکومت: مشارکت پایین (حدود ۴۱٪) در انتخابات مجلس ۲۰۲۴ نشان‌دهنده بی‌اعتمادی گسترده است.

۲- تضعیف نهاد قانون‌گذاری: نمایندگان به جای مردمی عمل کردن، تابع قدرت موازی هستند.

۳- نابرابری اجتماعی: فساد اقتصادی باعث افزایش شکاف طبقاتی می‌شود.

۴- تضعیف جامعه مدنی: نهادهای مردم‌نهاد قابلیت نظارت را ندارند و فعالان با فشار مواجه‌اند.

### ۶. اقتصاد رانتی و شیوه تخصیص منابع

وابستگی به درآمدهای نفتی و مدیریت منابع توسط نهادهای شبه‌دولتی، اقتصاد رانتی و فساد را در لایه‌های پارلمانی تقویت کرده است. (علویان، ناصر و همی، محمد، ۱۳۹۹: ۷۸)

### ۷. شفافیت و پاسخگویی

اطلاعات مالی نمایندگان، روند بررسی لوایح، بودجه‌ریزی و قراردادهای دولتی در دسترس عمومی نیست و رسانه‌ها یا جامعه مدنی نیز نمی‌توانند به راحتی پیگیری کنند. شفافیت پارلمانی بر نحوه دسترسی مردم به اطلاعات پارلمانی تأکید دارد و سعی دارد تا با ارائه اطلاعات عملکردی مجلس و نمایندگان مجلس، زمینه را برای نظارت بر رفتار نمایندگان و عملکرد آن‌ها توسط مردم فراهم کند تا از مشارکت آن‌ها در امور قانون‌گذاری اطمینان حاصل کند زیرا که شفافیت یکی از مهم‌ترین ارزش‌ها و هدف پایه‌ای برای مجلس است؛ مجلسی که رفتار نمایندگان و فرایندهای قانون‌گذاری دارای امکان نظارت و پیگیری می‌باشد همچنین نظارت شرایط و زیرساخت مشارکت مردم در این فرایندها فراهم شده است. (مرتب یحیی، یآوری وحید، ۱۴۰۰: ۳۹)

یکی از موارد مهم در شکل‌گیری مجلس، توجه به این مسئله است که اساساً اطلاعات و داده‌های تولیدشده در پارلمان متعلق به چه کسی است. اگر اطلاعات پارلمانی متعلق به مردم باشد، عدم انتشار و ارائه آن‌ها و محروم کردن ملت از حق اطلاعاتی، در نتیجه محروم کردن آن‌ها از نظارت بر نمایندگان خود و عدم مشارکت آن‌ها خواهد شد. بیانیه شفافیت پارلمانی (۲۰۱۲)، کمیسیون حقوق بشر آفریقا (۲۰۰۲)، پارلمان‌های کشورهای قاره آمریکا (۲۰۱۱)، همگی اطلاعات مربوط به قانون‌گذاری را جزو حق اساسی مردم می‌دانند و بیان می‌دارند باید این اطلاعات برای همه شهروندان در دسترس باشند

### ۸. هزینه‌های انتخاباتی در تعیین شرایط داوطلبان نمایندگی

کنترل و مقررات گذاری هزینه‌های انتخاباتی آشکار دموکراتیکی دارد زیرا مانع از این می‌گردد که نابرابری در ثروت به نابرابر در قدرت سیاسی منجر گردد؛ اما چنین مقررات گذاری همچنین ممکن است به طور مؤثر از مقامات دولتی در برابر اینکه به شکل مؤثری به چالش کشیده شوند حفاظت نمایند و ممکن است قدرت به مجموعه کوچک‌تری از نخبگان در جامعه انتقال یابد؛



به عبارت دیگر، محدودیت‌های هزینه‌های مبارزات انتخاباتی می‌تواند نتایج نامطلوبی برای استقرار قدرت اجتماعی و دولتی داشته باشد. (yasmin,2006:2)

بر اساس دیدگاه برخی از قضات، مقررات گذاری و کنترل هزینه‌های انتخاباتی برای مبارزه با فساد دولتی ضرورت دارد. بر اساس این دیدگاه، فرآیند انتخابات باید در برابر هرگونه زد و بند مالی پنهانی که در آن اعانه‌دهندگان درازای تأمین هزینه‌های انتخاباتی یک مزیت سیاسی کسب می‌کنند، محافظت گردد. در این بخش تلاش می‌شود که بحث‌های راجع به تأمین مالی هزینه‌های انتخاباتی را، از دیدگاه کاهش فساد مورد بحث و بررسی قرار دهیم، بنابراین در رابطه با کنترل و مقررات گذاری هزینه‌های انتخاباتی این پرسش بنیادین مطرح است که آیا ضرورت کاهش فساد می‌تواند توجیهی برای محدودیت آزادی بیان از طریق محدودیت هزینه‌های انتخاباتی باشد؟

#### ۹. ممنوعیت ها و محدودیت های هزینه‌های انتخاباتی در نظام انتخاباتی ایران

برگزاری انتخابات پاک یکی از ضروریات هر حکومت محسوب می‌شود. ضرورتی که کوچک‌ترین تخطی در آن موجی از اعتراضات اجتماعی را ایجاد کرده و بی‌اعتمادی مردم یک جامعه به نظام حکومتی را در پی خواهد داشت. پس یکی از وظایف خطیر دست‌اندرکاران حکومتی این است که با بسترسازی‌های لازم، انتخاباتی همراه با شفافیت مالی و آشکارسازی مواضع مشخص نامزدها و دوری از هرگونه سوءاستفاده برگزار نمایند. از سوی دیگر، نظام انتخاباتی ایران که نظام اکثریتی و به نوعی بازی بردو باخت است، شکست در انتخابات ایران به معنی آسیب دیدن شدید در زندگی سیاسی است، زیرا برنده انتخابات همه چیز را برنده می‌شود و بازنده‌اش هزینه‌های زیادی را متحمل می‌گردد. به همین دلیل است که کاندیداها در هنگام کارزارهای انتخاباتی به شدت هزینه می‌کنند تا برنده شوند. ماشین انتخابات با پول کار می‌کند و این پول از راه‌های مختلف تأمین شده و به شکل‌های متنوع هزینه می‌شود و پیامدهای متعددی برای نظام سیاسی کشور دارد

تا مدت زیادی، قوانین انتخاباتی ایران، درباره هزینه‌های تبلیغات انتخاباتی به استثنای موارد پراکنده در قوانین انتخاباتی مجلس شورای اسلامی، ریاست جمهوری و شورای شهر و روستا ساکت بود. در سیاست‌های کلی انتخابات ابلاغی مقام معظم رهبری در مورخه ۱۳۹۵/۷/۲۴ برای نخستین بار، بر تعیین حدود و نوع هزینه‌ها و منابع مجاز و غیرمجاز انتخاباتی، شفاف‌سازی منابع و هزینه‌های انتخاباتی داوطلبان و چگونگی برخورد با تخلفات مالی تأکید شد. باین حال خلأ قانونی در رابطه با کنترل هزینه‌های انتخاباتی در ایران تا زمان تصویب «قانون شفافیت و نظارت بر تأمین مالی فعالیت‌های انتخاباتی در انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۹۸/۱۱/۱۴» وجود داشت. به موجب این قانون، نامزدهای انتخابات مجلس باید هزینه‌هایی که در فعالیت‌های انتخاباتی خود مصرف کرده‌اند را برای مرجع ذیصلاح (وزارت کشور، فرمانداری‌ها، بخشدارها) شفاف کنند و آن هزینه‌ها را در مواردی که قانون برای آنان در نظر گرفته مصرف کنند. عدم رعایت این قوانین جرم محسوب شده و منجر به یکی از مجازات‌های تعزیری درجه شش به استثناء حبس می‌شود. طرح مذکور به تعیین مصادیق تأمین مالی و مصارف و هزینه کرد تبلیغات، جرم انگاری تأمین مالی تبلیغات از خارج از کشور، ایجاد سامانه رصد هزینه‌های انتخاباتی و ثبت دریافت و پرداخت هزینه‌های تبلیغات



در این سامانه، تعیین سقف مالی برای هزینه‌های انتخاباتی و تعیین نماینده مالی برای هر نامزد انتخاباتی پرداخته است. با این وجود در رابطه با انتخابات ریاست جمهوری و شورای اسلامی شهر و روستا همچنان قانونی در رابطه با کنترل هزینه‌های انتخاباتی وجود ندارد و ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های هزینه انتخاباتی در این دو انتخابات تنها محدود به موارد پراکنده‌ای است که در قوانین انتخاباتی آن پیش‌بینی شده است (اکبری محمدتقی، هاشمی سید محمد، رستمی ولی ۳۹۹: ۱۵۰)

### ۱۰. عوامل متأثر از مالیه کارزار انتخاباتی

جمعیت شرکت‌کننده در انتخابات: در رابطه با جمعیت شرکت‌کننده در انتخابات یکی از یافته‌های سازگار این است که هزینه‌های صورت گرفته توسط کاندیداها در کارزارهای تبلیغاتی دارای تأثیر بسیج‌کننده بر رأی‌دهندگان می‌باشد. در حالی که اکثر مطالعات نشان‌دهنده نوعی رابطه مثبت بین هزینه‌ها و جمعیت مشارکت‌کننده هستند، برخی دیگر استدلال کرده‌اند که تحت شرایط مشخصی هزینه‌ها می‌توانند دارای آثار منفی بوده و کاهش مشارکت‌کنندگان را در پی داشته باشند. وقتی که کارزارهای انتخاباتی به سمت بدتر شدن و ایجاد سوءظن حرکت می‌کنند بر انتخابات تأثیر منفی دارند.

راه‌نهایی که هزینه‌های انتخاباتی می‌توانند بر جمعیت مشارکت‌کننده تأثیر بگذارند از طریق رفتارهای بین «وکیل و موکل» یا «خرید رأی» است که در کشورهای جهان سوم و در حال توسعه به مقدار زیادی رایج است و احتمال دارد که شهروندان در قبال مبالغی یا دریافت برخی از کالاهای مادی به کاندیدای خاصی رأی بدهند یا از آن‌ها خواسته شود که به کاندیدای خاصی رأی ندهند. (حشمت زاده محمدباقر، اطاعت جواد، تیموری فر سید سهراب، ۱۴۰۰: ۲۱۸)

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مجلس شورای اسلامی نقشی تعیین‌کننده در تولید و ارتقاء قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی ایران دارد؛ نقشی که از طریق تقویت مشروعیت مردمی، افزایش اعتماد عمومی و تحکیم سرمایه اجتماعی محقق می‌شود. در چارچوب الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، مؤلفه‌هایی نظیر عدالت اقتصادی، شفافیت، پاسخ‌گویی و سلامت رقابت سیاسی، نه تنها الزامات حکمرانی خوب، بلکه پیش‌شرط‌های شکل‌گیری قدرت نرم پایدار محسوب می‌شوند.

با این حال، بر سر سی عملکرد مجلس نشان می‌دهد که مجموعه‌ای از موانع اقتصادی، سیاسی و نهادی، توان این نهاد را در ایفای نقش مؤثر خود در تقویت قدرت نرم نظام تضعیف کرده است. از جمله این چالش‌ها، می‌توان به هزینه‌های بالای انتخاباتی و ضعف نظارت مؤثر بر تأمین مالی فعالیت‌های انتخاباتی - علی‌رغم تصویب قانون «شفافیت و نظارت بر تأمین مالی فعالیت‌های انتخاباتی» (۱۳۹۸) - اشاره کرد؛ مسئله‌ای که به افزایش آسیب‌پذیری نهاد قانون‌گذاری در برابر نفوذ منافع اقتصادی، کاهش مشارکت عمومی و تضعیف اعتماد اجتماعی منجر شده است.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که تعارض منافع ناشی از ساختار حکمرانی و انگیزه‌های فردی، نقص در طراحی نهادی (از جمله سهولت اعلام وصول طرح‌های غیرراهبردی)، غلبه ملاحظات منطقه‌ای و جناحی بر مصالح ملی، ناکارآمدی برخی نهادهای نظارتی،



لابی‌گری غیر رسمی، اقتصاد رانتهی و ضعف شفافیت در فرآیندهای مالی و تقنینی، همگی به کاهش کارآمدی مجلس و تضعیف مؤلفه‌های قدرت نرم—به‌ویژه مشروعیت و سرمایه اجتماعی—انجامیده‌اند.

در چنین شرایطی، اگر مجلس شورای اسلامی نتواند اصلاحات ساختاری و محتوایی متناسب با اصول حکمرانی خوب را در دستور کار قرار دهد، نه‌تنها در تحقق اهداف الگوی اسلامی—ایرانی پیشرفت ناکام خواهد ماند، بلکه توان اقناعی و جذابیت گفتمانی نظام جمهوری اسلامی ایران نیز در سطح داخلی و بین‌المللی تضعیف خواهد شد. این امر پیامدهایی همچون کاهش اعتماد عمومی، افت مشارکت سیاسی، تضعیف عدالت نهادی و کاهش تاب‌آوری اجتماعی را به همراه دارد که مستقیماً قدرت نرم نظام را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

### پیشنهاد‌های راهبردی

با توجه به یافته‌های پژوهش و در راستای تقویت نقش مجلس شورای اسلامی در ارتقاء قدرت نرم نظام، پیشنهاد‌های راهبردی زیر ارائه می‌شود:

- نهادینه‌سازی شفافیت به‌عنوان پیش‌فرض حکمرانی پارلمانی از طریق راه‌اندازی و توسعه سامانه‌های «داده باز پارلمانی» شامل آرای نمایندگان، فرآیند بررسی لوایح، هزینه‌ها و گزارش‌های عملکرد؛
- استقرار نظام گزارش‌دهی منظم و فردی نمایندگان بر مبنای شاخص‌های الگوی اسلامی—ایرانی پیشرفت و مؤلفه‌های قدرت نرم (عدالت، اعتماد عمومی، مشارکت و کارآمدی)؛
- تقویت نظارت چندلایه و هم‌افزایی نهادی میان مجلس، دیوان محاسبات، سازمان بازرسی و نهادهای مردمی با تمرکز ویژه بر پیشگیری از شکل‌گیری اقتصاد رانتهی؛
- فرهنگ‌سازی تدریجی و نهادمند برای اولویت‌دهی به منافع ملی، عدالت‌محور و راهبردی بر منافع منطقه‌ای، شخصی یا جناحی در رفتار نمایندگان؛
- تصویب و اجرای قانون جامع تعارض منافع با پیوند صریح به الزامات حکمرانی خوب و اهداف الگوی اسلامی—ایرانی پیشرفت؛
- اصلاح آیین‌نامه داخلی مجلس با هدف تمرکز بر طرح‌ها و لوایح راهبردی، کاهش پراکندگی تقنینی و ارتقاء کیفیت سیاست‌گذاری؛
- کنترل مؤثر هزینه‌های انتخاباتی و شفاف‌سازی منابع مالی کمپین‌ها به‌منظور کاهش نفوذ منافع اقتصادی و افزایش سلامت رقابت سیاسی؛
- کاهش هزینه‌های غیرضروری و ارتقاء انضباط مالی نمایندگان به‌عنوان نماد پاسخ‌گویی نهادی و الگوسازی برای اعتماد عمومی.



در مجموع، اجرای این پیشنهادها می‌تواند مجلس شورای اسلامی را به نهادی کارآمد، شفاف و مورد اعتماد افکار عمومی تبدیل کند؛ نهادی که نه تنها در تحقق اهداف الگوی اسلامی-ایرانی پی‌شرفت نقش‌آفرین است، بلکه به‌عنوان یکی از ارکان اصلی تقویت قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی ایران، توان نظام را در اقناع، جذب و همراه‌سازی جامعه به‌طور پایدار افزایش می‌دهد.



## فهرست منابع؛

۱. - اکبری محمدتقی، هاشمی سید محمد، رستمی ولی، (۱۳۹۹) "هزینه‌های انتخاباتی و آزادی سخن"، فصلنامه علمی پژوهشی تعالی حقوق، شماره هشتم، تابستان
۲. - تاجیک، محمد. (۱۴۰۱). بررسی اثرات لابی‌گری غیررسمی بر کارآمدی مجلس. فصلنامه علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۵۲.
۳. - زینالو، رضا و همکاران (۱۳۹۸). بررسی تعارض منافع در مجلس شورای اسلامی. فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی.
۴. - دباغ، سروش و نفری، ندا. (۱۳۸۸). تبیین مفهوم خوبی در حکمرانی خوب. نشریه مدیریت دولتی، پاییز و زمستان
۵. - علویان، ناصر و همتی، محمد (۱۳۹۹). الگوی تبیینی فساد سیاسی در ایران. نشریه پژوهش سیاست‌گذاری نظری
۶. - کریمی، زهره. (۱۴۰۱). فساد و حکمرانی ناکارآمد؛ آسیب‌شناسی در نهادهای قانون‌گذار. مجله علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۷. - محسنی، علی‌اصغر (۱۴۰۰). فساد در پارلمان: زمینه‌ها و پیامدها. مجله سیاست و حکومت، شماره ۱
۸. - مرتب یحیی، یوری وحید، (۱۴۰۰) شناسایی معیارهای ارزیابی شفافیت در مجلس شورای اسلامی، مطالعات مدیریت دولتی ایران، بهار، شماره ۱
۹. - میدری، (۱۳۸۵)، مقدمه‌ای بر نظریه‌ی حکمرانی خوب، فصلنامه رفاه اجتماعی، دوره ۶، شماره ۲۲، پاییز
۱۰. - مهدوی عادل، محمدحسین کاظمی، فیض محمدی علی (۱۳۹۱) بررسی اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات در ایران (۱۳۵۲ الی ۱۳۸۷) اقتصاد پولی، مالی سال دوم بهار و تابستان ۱۳۹۱ شماره ۱
۱۱. - نورایی، محمدرضا. (۱۳۹۹). تحلیل نهادگرایانه تعارض منافع در مجلس ایران. فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی.
۱. - OECD. (2021). Lobbying in the 21st Century: Transparency, Integrity and Access.
۲. - Yasamin Dawood, (2006), " Democracy, power and the Supreme Court: n" Campaign finance, reform in comparative context Internation" al Journal of Constitutional Law Volume 4, Issue 2.